روزنامه صبح ایران

امتیاز

WWW.EMTIAZDAILY.JR

شنبه / ۲ بهمن ۱۳۹۵ / ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۳۸ / ۲۱ ژانویه ۲۰۱۷

شماره ۲۱۲۶ / ۱۲ صفحه / قیمت ۱۰۰۰ تومان



۱۱

همدانی در گفتگوی با امتیاز؛
با تعارف کردن استقلال درست نمی شود



۱۲

یادداشت محمدعلی کشاورز:
کاش نام آتش‌نشان‌ها را جان‌فشان بگذارند

رئیس قوه قضاییه:

برخی با پولهای انگلیسی مرجع تراشی می کنند/۲



آخرین جزئیات امداد و نجات در پلاسکو

پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی حادثه آتش‌سوزی ساختمان پلاسکو

اعلام آمادگی ارتش برای کمک به آواربرداری پلاسکو

محدودیت‌های ترافیکی ادامه دارد

مردم نگران اموال خود نباشند

هیئت دولت امروز را عزای عمومی اعلام کرد

۲

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست :

توسعه مترو و حمل و نقل عمومی در اولویت است



رئیس سازمان حفاظت محیط زیست : توسعه مترو ، افزایش استاندارد خودرو و گسترش حمل و نقل عمومی در اولویت است.

معصومه ابتکار افزود: ۹۰۰ هزار خودرو فرسوده در دولت یازدهم از رده خارج شده و گام های خوبی برای خارج کردن تاکسی های فرسوده از کلانشهرها برداشته شده است.وی اعلام کرد : ۴۰ هزار تاکسی فرسوده هم نوسازی شده است و در کلانشهرها تردد می کند.

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست ادامه داد : بیش از ۹۴ درصد نیروگاه ها از گاز طبیعی استفاده می کند که باعث بهبود وضعیت هوای شهرها شده است و در شهری مانند تهران نمی توانیم همچنان از الگوی سنتی استفاده نکردن از خودروهای شخصی را با این جمعیت زیاد و تعدد خودرو ادامه دهیم و حتما باید به سمت توسعه حمل و نقل عمومی پیش برویم.

ابتکار گفت : توسعه خطوط مترو یکی دیگر از مواردی است که به ما کمک شایانی خواهد کرد و خوشبختانه توافق خوبی برای خرید واگن های جدید مترو در شورای اقتصاد انجام شده و دولت گام های خوبی برداشته است و امیدواریم تا پایان سال واگن های جدید به متروی تهران اضافه شود.

وی گفت : همچنین حمایت از توسعه خطوط مترو در کلانشهرهای دیگر نیز باید انجام شود و همکاری های مردم می تواند در بهبود کیفیت وضعیت هوا تاثیر بسیار زیادی دارد و مردم با انجام دادن معاینه فنی به موقع خودروهای خود استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی در پیشبرد اهداف ما بسیار تاثیر گذار خواهد بود.

ابتکار افزود : استفاده از الگوی قدیمی حذف استفاده از خودروهای شخصی برای مقابله با آلودگی هوای کلانشهرها دیگر پاسخگو نیست.

خانم ابتکار در ادامه گفتگو با خبرنگار خبرگزاری صدا و سیما افزود: طرح آسمان آبی خوشبختانه در شهرهای بزرگ با تدابیر دولت یازدهم اجرا شده است و به بهترین نحو ادامه دارد، کارهای مختلفی را تاکنون با دستگاه های مرتبط پیش برده است بطوری که ما امروز نسبت به سال ۹۲ در کلانشهرها بطور کلی و حتی در تهران شاهد افزایش تعداد روزهای سالم و پاک هستیم.

وی ادامه داد: اما این روند به این مفهوم نیست که به تمام اهدافمان در این راه دست پیدا کرده ایم و همچنان شاهد روزهای ناسالم در تهران و کلانشهرها هستیم ولی همچنان به سمت هدفمان حرکت می کنیم که کاری بلندمدت است.

ابتکار افزود : در تهران ۶ میلیون و ۸۰۰ خودرو ثبت شده که حدود ۳ میلیون این آمار را موتورسیکلت ها به خود اختصاص می دهند که ادامه این روند واقعا مشکلات زیادی را برای یک کلانشهر از جمله تهران در بخش های ترافیکی و آلاینده ها بوجود خواهد آورد.

وی گفت : در دولت یازدهم با توجه ویژه ای که به بحث محیط زیست وجود دارد، گام های خوبی در جهت ارتقای استاندارد سازی سوخت ، حذف بنزین پتروشیمی ، استاندارد خودروها ، حمایت از تولید خودروهای برقی و هیبریدی برداشته شده است.

چند روز پیش رییس جمهور از خودروها و موتورسیکلتهای برقی تولید اخل کشور بازدید کرد و توجه ویژه به خارج کردن خودروهای فرسوده در دستور کار است.

یادداشت

برای قهرمانان پلاسکو

یه مرد بود، یه مرد

زینب رحیمی- وقتی آتش‌نشانان غیوری را دیدم که ناباورانه غم گیر افتادن دوستان قهرمانشان را بر سر می‌زدند، در برابر کائنات زانو زدم و التماس کردم که ای کاش معجزه‌ای رو کند و تنها بخاطر غم دل آتش‌نشانان هم که شده، قهرمانان پلاسکو سرپا بمانند.

امید به زنده بیرون آمدن آتش‌نشانان لحظه ای مرا رها نمی کند.

چه از صبح در گیرودار پوشش اخبار حادثه پلاسکو چند باری اشک چشمانم را تر کرده اما هنوز نتوانسته‌ام خودم را تخلیه کنم، حالا که نزدیک اذان صبح شده و دست به قلم شده‌ام، فرصت خوبی است تا حسابی خودم را از این بغض سنگینی که از صبح در گلویم گیر کرده رها کنم. نمی‌توانم تسلیت مسئولین را باور کنم، نمی‌توانم باور کنم که قرار است جان‌های شریف آتش‌نشانان بی‌گناه، آتش‌نشان‌هایی که برای نجات جان رفتند، بی جان از زیر آوار بیرون بیاید. حق این عاشقان نیست که چنین مظلومانه در زیر دودهای سیاه نفس ببرند.

امروز وقتی آتش‌نشانان که از خطر حریق جان سالم به در برده بودند را در کف خیابان خیس جمهوری، با لباسی گلی، چشمانی پراشک و دستانی باز به سمت آسمان دیدم، قلبم برای لحظاتی از حرکت ایستاد.وقتی آتش‌نشانان غیوری را که ناباورانه غم گیر افتادن دوستان قهرمانشان را بر سر می‌زدند، دیدم از شدت بغض نفس عمیقی کشیدم، در برابر کائنات زانو زدم و التماس کردم که ای کاش معجزه‌ای رو کند و تنها بخاطر غم دل آتش‌نشانان هم که شده، قهرمانان پلاسکو سرپا بمانند. لحظه به لحظه این آرزو در قلبم بیشتر ریشه می‌دواند. گاه که اخبار واصله از محل حادثه قصد دارد امیدم را ناامید کند با خودم زمزمه می‌کنم:

با صدای بی‌صدا،
مث یه کوه، بلند،
مث یه خواب، کوتاه،
یه مرد بود، یه مردا!

اشک‌هایم را پاک می‌کنم، یاد آتش‌نشانی عصبانی می‌افتم که امشب مظلومیت همکارانش را بر سر یکی از اعضای شورای شهر تهران فریاد زد، یاد عصبانیت مردم در پست‌های فضای مجازی بخاطر چنین اتفاقی می‌افتم.

تلویزیون ملکی را نشان می‌دهد قلمم را زمین می‌گذارم و سراغ ادامه کار و پوشش اخبار می‌روم.

ایسنا

یادداشت

طنین مرگ در ماه دی

مهندس رضامرادی*

آخرین روز دی ماه بود،همهمه وسروصداهای عجیبی بگوش میرسید. گویی سالهای موشک باران جنگ بود،حس میکردم دوباره خانه ای را، راکت های عراقی هدف قرارداده اند که ناگهان دودسیاهی برفراز شهر دیدم.به یادآوردم که دود سیاه نشان ازاعلام جنگ بود ودود سفیدنشانه ای ازصلح و آشتی.

چشمان نگران مردم خبراز جنگی دشوار میداد، اما اینبار آوردگاه دوئل باحوادث طبیعی بود.نه دشمن فرضی بود ونه پدافند و نه آفندی.

خبررسیدکه پلاسکوی پیر و سالخورده بامرگ سرشاخ شده است ودرحال جان دادنی سخت است.

آری پلاسکوی بلندمرتبه، نماد تجدد ایران و تهران، نماد پوشاک کشور در آتش گرفتارشده بود.

مردم همگی آمده بودند،حسم میگفت ملت قهرمان امروزآمده اند کارستان دیگری راه بیندازند،امادرکمال بهت فرهنگ مردمم را فقط درگرفتن عکسهای هیجانی دیدم وشناختم.

هرچه التماس کردیم که راه را باز کنید، کسی اعتنا نکرد، ناخود آگاه به یاد نیروهای موتورسوارو باتوم به دست و صورت بسته هایی افتادم که چرا درچنین مواقعی واکنش نشان نمیدهند تا حداقل راههای ارتباطی به محل حادثه بازشود.

شهردارعزیزمان هم ازقم برگشتند، و مدیرمیدانی حادثه رابرعهده گرفتند.

تعدادی سرخ پوش نگران بود و درحال جان فشانی بودندکه ناگهان:پلاسکو فرو ریخت.

آری کاخ ارزوهای پدران ومادرانی که درارزوی دامادی پسرانشان بودند ، شیر زنانی که هرلحظه منتظربازگشت مرد همیشه قهرمانشان بودند،دخترک و پسرک هایی که منتظرآغوش گرم پدرانشان بود، به شدتی عجیب فرو ریخت. شهدای دیگری به تاریخ وطن افزودیم وما فقط یادگرفتیم که دعاکنیم امایادمان ندادندکه اصولی وموثرکارکنیم.

چشمان اشکبارمردمی رادیدم که دیروز راه امداد رسانی را بسته بودند،انتقادهایی دیدم که شهرداری تهران را درمیگرفت،مسئولینی رادیدم که فقط پیام های تسلیت را یادگرفته اند،چشمان خانواده هایی رادیدم که اشک یارجدانشدنی آنهابود،خیلی چیزها را دیدم،اماجوانان برومند وطن دیگررا دیگرندیدم.آری همه بودند ولی فرزندان وطن دیگرنبودند.

*عضوسازمان جوانان اعتدال وتوسعه

سرمقاله

درس هایی که باید از حادثه پلاسکو بگیریم

هومن جعفری

ساختمانی قدیمی آتش گرفته. ساختمان فرسوده است. تجهزات ایمنی اش کارآیی لازم را ندارند.نیروهای آتش نشانی بدون تردید و دودلی به دل آتش می زنند و به مهار آتش با وسایلی می پردازند که قدرت چندانی ندارد. کهنگی و غیر مدرن نبودن وسایل آتش نشانی ایران تعجب کاربران و مخاطبان جهانی را برمی انگیزد. بچه های آتش نشانی با شجاعت و رشادتی وصف ناپذیر به مصاف بی رحم ترین دشمن ممکن می روند اما دستشان خالی است. آنها از تجهیزات و امکانات لازم برخودار نیستند. ما سربازانی را به جنگ فرستاده ایم که شجاع و آموزش دیده اند اما اسلحه هایی دستشان نداده ایم که کافی باشند. در نهایت با این حجم وسع تلفات و با این میزان خسارتی که وارد شده حالا وقتش رسیده تا به سادگی و بدون تعارف به بیان برخی از مسایل بپردازیم.

۱. عمر «اسم سالاری» در مدیریت شهری گذشته. شورای شهر به آدم هایی نیاز دارد که تخصصشان مدیریت شهری باشد.باید در شورای شهر آدم هایی باشند که بتوانند به خوبی بین شورای شهر و شهرداری و مجموعه های خدماتی ارتباطات لازم را به دست بیاورند. ما به مردانی نیاز داریم که بتوانند شهر را اداره کنند. آنچه در حادثه پلاسکو آموختیم که نیروی مدیریت شهری فعلی تهران توان ، سرعت عمل و برنامه های لازم جهت مدیریت بحرانی به این حجم را ندارند. این تنها یک ساختمان ۱۷ طبقه بود. وای به روزی که تهران دچار زلزله شود. این همه پهلوان در شورای شهر داریم که توان بلند کردن یک بار از روی دوش نیروهای امدادی را ندارند. حضورشان به چه دردی می خورد؟

۲.در پرونده ساختمان علاالدین دیدیم که مالک ساختمان به راحتی مانع از تخریب طبقه اضافی ای شد که خارج از ضوابط استاندارد ساخته بود. هرچند سرانجام این طبقه تخریب شد اما یادتان هست چه حجمی از نیرو و چه واحدی از زمان صرف شد تا این کار صورت بگیرد؟ در مورد ساختمان پلاسکو هم فقط در سه سال گذشته ۱۴ اخطاریه قطعی به مالک تحویل داده شد که ساختمان شما ایمنی لازم را ندارد. آیا امروز کسی سراغ گیرنده آن نامه ها می رود تا به جرم سهل انگاری که موجب مرگ این تعداد از کسبه و پرسنل شریف آتش نشانی شده ، بازخواستش کند؟

۳. تهران با این حجم از جمعیت ، چه نقشه ای برای مدیریت بحران بعدی دارد؟ فرض کنیم در غرب تهران مثلا در خیابان سارخان انفجاری رخ داده.فرض کنیم بمبی منفجر شده یا ساختمان فرو ریخته. برای مهار بحران برنامه مدونی داریم؟ فرض کنیم در مترو با چنین مشکلی مواجه شویم. پروتکلی برای این لحظات داریم؟ برای پلاسکو داشتیم؟

۴. تجهیزات فرسوده و ناکافی آتش نشانی ایران کی قرار است تجهیز شود؟ نوسازی ناوگان فرسوده هوایی ایران گام بزرگی است که باید برداشته شود اما ناوگان ها دیگر را کی تجهیز می کنیم؟ اگر یادتان باشد همین چند وقت پیش یکی دو مورد آتش سوزی در برج های مشهد داشتیم که ماشین های آتش نشانی برای خاموش کردن آتش ، فاقد نردبانی به بلندی مورد نیاز بودند!هیچ کس از شورای شهر و شهرداری مشهد نپرسید که چگونه به ساختمانی مجوز ساخت داده اند که امکان خدمات رسانی به آن را نداشته اند؟ بالاخره هر ساختمانی باید به قد و اندازه نردبان هایی ساخته شود که روزگاری قرار است آتششان را خاموش کند!

۵. چرا ناوگان آتش نشانی ما نباید مجهز به آخرین مدل از هلی کوپترهایی باشد که می توانستند در این عملیات خیلی مفید و موثر باشند؟چرا نباید آتش نشان های ما امکان ارتباط بی سیم نداشته باشند؟ چرا نباید داخل لباس آتش نشان های ما تراشه هایی باشد که از طریق ارسال علایم الکترونیک ، مکان حضورشان را به همکارانشان اعلام کند؟ چرا شهرداری تهران و اصلا سازمان آتش نشانی کل کشور ، به نوسازی کامل دستگاه ها و تجهیزت خود نمی اندیشند؟ همانطور که توانستیم قرارداد صد هواپیما را به صورت اقساطی و با حمایت بانک های خارجی ببندیم ، همین کار را در مورد آتش نشانی هم می توانیم انجام دهیم. دستکم از همدردی جهانی با آتش نشان های کشورمان استفاده کنیم و از کشورهایی که در این مورد پیشرو هستند بخواهیم تا با قراردادهای طولانی مدت ، نیازهای لجستکی آتش نشانی کشور را افزایش دهند.

۶.بخشی از شجاع ترین و بی باک ترین و غیورترین پرسنل آتش نشانی خود را در این پنجشنبه سیاه از دست دادیم.به خود بیاییم. به مدیریت شهری و همچنین به شیوه زندگی خود نگاهی دوباره بیندازیم. چگونه می شود که ساختمانی به این اندازه بزرگ و با این قدمت و فرسودگی ، بیمه نشده باشد؟ چگونه می شود بیمه برای این ساختمان اجباری نبوده؟ چرا کوتاه آمدیم؟ چرا؟ چطور تمم قوانین ممکن در این ساختمان نقض شده اند؟ چگونه این همه واحد تجاری بیمه نبوده اند؟ چگونه این ساختمان این همه اخطار آتش نشانی را زیر سوال برده؟ چگونه همچین چیزی ممکن است؟

اگر قانون تا این اندازه گسترده ، فقط در یک ساختمان شکسته شده از کجا معلوم که در دیگر ساختمان های تجاری و اداری دیگری که در تهران و شهرهای دیگ داریم قوانین دور نخورده باشند؟ کاش عزمی داشته باشیم برای اینکه طور دیگری زندگی کنیم. کاش اینگونه به خودمان و به زندگی بی تفاوت نباشیم. چرخ را از نو اختراع نکنیم و بر اجرای سفت و سخت قوانین پافشاری کنیم.با آدم هایی که چشمشان را بر اجرا نشدن قانون بستند مماشات نکنیم.